مسیر سخت واشنگتن در شرق آسیا

آمریکا نمی‌تواند در آسیا از چین پیشی بگیرد

سجاد عطازاده
مترجم

کلی‌ای گرسیو، پژوهشگر ارشد مرکز استیمسون و جنیفر کاوانگاه، پژوهشگر ارشد موسسه کارنگی در مقاله‌ای با عنوان «آمریکا نمی‌تواند در آسیا از چین پیشی بگیرد؛ اما قادر به ممانعت از هژمونی چین است» که در وبسایت فارن‌افرز منتشر شده به بررسی رقابت ایالات‌متحده و چین در منطقه آسیا-اقیانوسیه پرداخته و این گزاره مهم را مطرح ساخته‌اند که دولت آمریکا قادر به هماوردی با چین در آسیا نیست. در این مقاله تاکید شده به دلایل مختلفی شرکای آمریکا در آسیا قادر نیستند به این کشور کمک کنند. توصیه سیاستی آنان به مسئولان آمریکایی نیز تلاش برای ایجاد موازنه با پکن و نه هماوردی و پیشی گرفتن از آن است.

در پی پایان دوره دوم ریاست جمهوری باراک اوباما، ایالات متحده با انتخاب روشنی در رابطه با نقش خود در آینده آسیا روبه‌رو شد. همزمان با قدرت‌گیری چین و البته تهاجمی‌تر شدن آن در ادعاهای ارضی خود واشنگتن می‌توانست با تلاش‌های پرهزینه خود را برای حفظ برتری نظامی ایالات‌متحده در منطقه دو چندان کند یا اینکه [به ناچار] تصدیق کند که پکن نقش نظامی فزاینده‌ای در این منطقه ایفا خواهد کرد و آمریکا نیز باید از منابع محدود خود برای ایجاد موازنه در برابر قدرت چین استفاده کند و به دنبال جلوگیری از هژمونی منطقه‌ای چین - البته بدون حفظ هژمونی خود- باشد. جانشینان اوباما، دونالد ترامپ و جو بایدن، هم هر دو رویکرد اول را انتخاب کردند؛ انتخابی که مارک میلی، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش ایالات‌متحده در اوایل سال ۲۰۲۳ آن را در قالب این عبارت بیان کرد: «حفظ برتری نظامی هدف اصلی سیاست ایالات‌متحده در منطقه هند-آرام است.» آنها بر دستیابی به «تطابق بیش‌ازحد» در برابر چین تمرکز کرده‌اند. راهبرد بایدن برای دستیابی به این هدف با استراتژی پیشینیانش متفاوت بوده است. تیم بایدن با درک این موضوع که امکان تداوم هزینه سیاسی و نظامی حفظ سلطه نظامی ایالات‌متحده در منطقه هند-اقیانوسیه وجود ندارد، به دنبال ایجاد ائتلافی از متحدان و شرکای خود برای جبران بخشی از این هزینه‌ها بوده است. مثلا دولت او در سه سال گذشته با موفقیت به پایگاه‌های نظامی دیگری در فیلیپین دسترسی پیدا کرده، سازوکارهای سه جانبه جدید اشتراک‌گذاری اطلاعاتی با کره جنوبی و ژاپن ایجاد و توافقنامه آکس را با استرالیا و بریتانیا برای ارائه زیردریایی‌های هسته‌ای به نیروی دریایی استرالیا منعقد کرده است. اما علی‌رغم برخی موفقیت‌ها پیشرفت کلی بایدن در جهت ایجاد ائتلاف مورد نیاز کند بوده است. ایالات‌متحده همچنان فاقد دسترسی نظامی به بخش‌های مهم آسیا، یک ساختار امنیتی قوی به رهبری واشنگتن و متحدان و شرکای کاملا مسلح برای حفظ برتری ایالات‌متحده است. نکته بدتر آن است که هیچ راه روشنی هم برای رفع این نقاط ضعف وجود ندارد. جغرافیای دریایی آسیا میزان خطری را که کشورهای منطقه از چین ادراک می‌کنند، کاهش می‌دهد و اساسا پروژه ائتلاف‌سازی بایدن را تضعیف می‌کند. دستاوردهای محدود دولت بایدن منعکس‌کننده واقعیتی است که بسیاری در واشنگتن ترجیح می‌دهند با آن مواجه نشوند؛ برتری نظامی ایالات‌متحده در آسیا نمی‌تواند در درازمدت حفظ شود بنابراین واشنگتن به جای تلاش برای نیل به تفوق در منطقه که البته سرنوشت مطلوبی هم نخواهد داشت، باید راهبردی را اتخاذ کند که اولویت آن ایجاد موازنه در برابر چین باشد. ایالات‌متحده باید تمرکز بیشتری روی حفاظت از دسترسی به مکان‌های راهبردی مثلا مراکز صنعتی ژاپن و هند و آبراه‌های کلیدی داشته باشد. واشنگتن همچنین باید سعی کند تا برخی از بارهای امنیتی خود را با کمک متحدان و شرکای خود و از طریق تقویت قابلیت‌های دفاعی آنان جابه‌جا کند. واشنگتن باید این نکته را هم بیاموزد که به جای سازمان‌دهی تعاملات صرف حول مشارکت‌هایی که خود ایالات‌متحده در محور آنها قرار دارد، باید نهادهای کثیر چندجانبه موجود در منطقه را به‌گونه‌ای هدایت کند که نتیجه آن پیشبرد منافع و نفوذ آمریکا باشد. منتقدان راهبرد موازنه ممکن است چنین استدلال کنند که این رویکرد چین را جسورتر کرده و ترس از رها شدن را در میان متحدان ایالات‌متحده ایجاد می‌کند؛ اما آنها اشتباه می‌کنند؛ اگر واشنگتن رویکرد خود را تغییر ندهد در معرض توسعه بیش از حد قرار خواهد گرفت؛ آن هم در حالی که از جایگاه نظامی مناسب برای پشتیبانی معتبر از تعهدات گسترده خود و ایجاد بازدارندگی در برابر چین برخوردار نخواهد بود. این در حالی است که رویکرد موازنه پایدارتر و کم خطرتر خواهد بود زیرا مطابق با جغرافیای منحصربه‌فرد منطقه و نه برخلاف آن است.

مبارزه بر سر قدرت

دولت بایدن برای دستیابی به هدف خود مبنی بر تفوق منطقه‌ای از طریق ایجاد ائتلاف، سرمایه‌گذاری زیادی در تقویت روابط ایالات‌متحده با کشورهای آسیایی انجام داده است. مثلا واشنگتن سطح روابط خود با ویتنام را به «مشارکت راهبردی جامع» ارتقا داده و همکاری‌های دفاعی جدید و موافقتنامه‌های تولید مشترک با هند امضا کرده است اما تلاش‌های بایدن برای ائتلاف‌سازی هنوز با آنچه برای حمایت از تفوق نظامی ایالات‌متحده لازم است فاصله زیادی دارد. دولت بایدن از ابتدا به صراحت اعلام کرده است که یک ائتلاف باید سه هدف را محقق کند؛ متنوع کردن دسترسی ایالات‌متحده به پایگاه‌ها، فرودگاه‌ها و بنادر سراسر منطقه به طوری که ارتش ایالات‌متحده بتواند به سرعت قدرت خود را در صورت بروز بحران نشان دهد؛ ایجاد شبکه‌ای از اتحادها و مشارکت‌ها که منافع و ارزش‌های ایالات‌متحده را تقویت کند و تقویت توانایی‌های نظامی خود کشورهای متحد و شریک. چالش اصلی ایالات‌متحده در منطقه هند آرام، زرادخانه عظیم موشکی چین است. نیروهای آمریکایی متمرکز در پایگاه‌های بزرگ در گوام، ژاپن و کره جنوبی به‌طور خاص در برابر حملات چین آسیب‌پذیر هستند و پنتاگون امیدوار است که پرسنل و دارایی‌هایی خود را به‌طور متنوع‌تری در پایگاه‌های کوچک و متعدد موجود در سراسر منطقه توزیع کند تا شانس بقای آنها را افزایش دهد.

تلاش‌های ایالات‌متحده برای ایجاد این پراکندگی در استقرار نیروهای خود دستاوردهایی را به همراه داشته است. تیم بایدن مجوزهای گسترده‌ای را برای استفاده نیروهای آمریکایی از پایگاه‌هایی جدید در استرالیا و فیلیپین و همچنین پاپوآگینه نو (البته پارلمان پاپوآ هنوز این مجوز را تصویب نکرده است) به دست آورده است؛ اما این مجوزها فایده چندانی در هنگام بحران یا جنگ ندارند. فیلیپین و پاپوآگینه نو هر دو سیگنال‌هایی را ارسال کرده‌اند که به ایالات‌متحده اجازه نخواهند داد از پایگاه‌های واقع در خاک آنها برای ذخیره سلاح یا انجام عملیات نظامی تهاجمی در جنگ علیه چین، به‌ویژه بر سر تایوان، استفاده کند. به‌علاوه این دسترسی اضافی جدید به حیاتی‌ترین نیازهای واشنگتن پاسخ نمی‌دهد و میزان دسترسی ایالات‌متحده به مهم‌ترین کشورهای راهبردی در جنوب شرقی آسیا- اندونزی، مالزی و سنگاپور- را نیز بالاتر نمی‌برند. درنتیجه درصورت وقوع نبرد احتمالی و با توجه به اینکه کره جنوبی نیز احتمالا دسترسی نظامی ایالات‌متحده را محدود خواهد کرد واشنگتن همچنان باید به پایگاه‌های آسیب‌پذیر خود در ژاپن و گوام تکیه کند یا بمب‌افکن‌های دوربرد خود در استرالیا را عملیاتی کند.

دوستانی بدون خاصیت

به علاوه پروژه ائتلاف‌سازی بایدن همچنان فاقد سازوکارهای نهادی است که برای همگام‌سازی موثر اقدامات بین متحدان و شرکای آمریکا در جریان یک حادثه لازم است. کواد - مجمع امنیتی متشکل از استرالیا، هند، ژاپن و ایالات‌متحده - قرار است همکاری‌های دریایی را در کنار سایر طرح‌ها تعمیق بخشد اما کشورهای عضو این مجمع فاقد تصویر اطلاعاتی مشترکی که برای هماهنگی در یک بحران نیاز دارند هستند؛ زیرا ترتیبات اشتراک‌گذاری اطلاعات همچنان دوجانبه است. به‌طور مشابه واشنگتن روی توکیو برای ارائه پشتیبانی نظامی مستقیم در طول یک جنگ منطقه‌ای حساب می‌کند، اما هیچ فرماندهی ترکیبی متشکل از واشنگتن و توکیو برای هماهنگی موثر عملیاتی دو کشور وجود ندارد.

تلاش‌های ایالات‌متحده برای تقویت قابلیت‌های نظامی متحدانش سابقه متفاوتی دارد. در چند سال اخیر برخی از کشورهای آسیایی شروع به هزینه‌کرد بیشتر دفاعی کرده‌اند اما آنها تا کسب توانایی لازم برای سهیم شدن در بار دفاعی کنونی منطقه که بر دوش ایالات‌متحده است فاصله زیادی دارند، بسیار کمتر از خواسته‌های بالاتری که یک درگیری تحمیل می‌کند. برای دستیابی به چیزی نزدیک به تقسیم بار واقعی، متحدان آسیایی ایالات‌متحده باید چند برابر میزان کنونی هزینه کنند.

مثلا ژاپن و استرالیا را در نظر بگیرید. هر دو کشور برنامه‌هایی را برای افزایش هزینه‌های دفاعی خود اعلام کرده‌اند. ژاپن قصد دارد تا هزینه‌های دفاعی خود را طی پنج سال آینده ۶۵ درصد افزایش دهد تا از خود در برابر چین دفاع کند؛ پروژه‌ای که شامل خرید ۴۰۰ موشک کروز تاماهاوک از آمریکا خواهد شد. استرالیا هم بر آن است تا هزینه‌های دفاعی خود را در ۱۰ سال آینده از حدود دو درصد تولید ناخالص داخلی به ۲٫۳ درصد افزایش دهد و بودجه قدرت‌افکنی را در اولویت قرار داده است. این کشور هم قصد دارد موشک‌های تهاجمی دوربرد و زیردریایی‌های هسته‌ای تولید آمریکا را خریداری کند. اما محتوای این برنامه‌ها بسیار کمتر از ظاهر آنهاست. ژاپن فاقد توانایی‌های اطلاعاتی و هدف‌گیری لازم برای استفاده موثر از موشک‌های تاماهاوک، چه برای دفاع از خود و چه برای مشارکت در عملیات‌های ایالات‌متحده است، حتی زمانی هم که این کشور این قابلیت‌ها را به دست آورد، مشخص نیست که آیا تعداد کم موشک‌های خریداری‌شده به بازدارندگی منطقه‌ای کمک خواهد کرد یا خیر. پیری جمعیت ژاپن هم باعث کمبود پرسنل آموزش‌دیده برای کار با کشتی و هواپیما شده است. ارتش استرالیا با کمبود مشابه پرسنل نظامی آموزش‌دیده و همچنین کارشناسان غیرنظامی که برای عملیاتی کردن و نگهداری زیردریایی‌های خریداری‌شده ضروری هستند، روبه‌رو است.

تعداد کشورهایی آسیایی دیگری که در مسیر اشتراک مسئولیت امنیتی منطقه با ایالات‌متحده، قادر به نقش‌آفرینی چشمگیری هستند، زیاد نیست، مثلا انتظارات زیادی از کره جنوبی در نزد برخی در آمریکا وجود دارد اما حقیقت آن است که سئول سرمایه‌گذاری لازم در زیرساخت‌های سخت، پدافند هوایی و حمل‌ونقل را انجام نداده و به همین دلیل نمی‌تواند در عملیات‌های منطقه‌ای آمریکا مشارکت کند. به همین سیاق، تایوان علی‌رغم فشارهای آمریکا تنها گام‌های ابتدایی در جهت افزودن به قابلیت‌های دفاعی که برای مقاومت در برابر حمله چینی‌ها به آنها نیاز دارد- ازجمله پدافند هوایی متحرک، مین‌های دریایی و پهپادهای ارزان‌قیمت- برداشته است. کوتاه سخن این است که ایالات‌متحده همچنان بخش عمده‌ای از بار دفاعی را در منطقه هند- آرام به دوش می‌کشد.

اگر نمی‌توانید شکست‌شان دهید دست به ایجاد موازنه بزنید

پیشرفت محدود دولت بایدن سوالاتی را درباره توانایی یا حتی امکان حفظ تفوق واشنگتن در منطقه هند- اقیانوسیه ایجاد کرده است. برخی رهبران ایالات‌متحده امیدوارند با افزایش تهدید نظامی چین، ائتلاف مورد نیاز برای دفاع از تفوق ایالات‌متحده درنهایت ظاهر و به‌طور سامان‌مند تفوق واشنگتن را به‌طور نامحدود حفظ کند. این خوشبینی بی‌دلیل است، زیرا جغرافیای دریایی منطقه علیه آرمان‌های ائتلاف‌سازی بایدن - و درنهایت هدف آن برای حفظ تفوق منطقه‌ای است.

اقیانوس‌های وسیع آرام و هند، موانع دفاعی قدرتمندی ایجاد می‌کنند که باعث ایجاد «مفت‌سواری» و بی‌خیالی در میان کشورهایی که از نظر موقعیت جغرافیایی پراکنده هستند، می‌شوند. همسایگان منطقه‌ای چین مطمئنا نسبت به تجاوزات پکن بیمناک هستند اما کشورهایی مانند اندونزی و مالزی به پکن به چشم یک تهدید وجودی نمی‌نگرند. به علاوه، ماهیت دریایی منطقه هند- آرام نیز اعتبار بازدارندگی ایجاد شده از سوی ایالات‌متحده را تضعیف می‌کند. نیروهای هوایی و دریایی مسئول امنیت منطقه بسیار متحرک هستند؛ به این معنی که استقرار و خارج کردن آنها بسیار آسان است. این تحرک باعث می‌شود متحدان بالقوه آمریکا بیم رها شدن از سوی این کشور را داشته باشند، درنتیجه مزایای مترتب بر پیوستن به ائتلاف تحت رهبری واشنگتن، مانند سرمایه‌گذاری‌های ایالات‌متحده در پایگاه‌های زمینی، در چشم آنها کم‌ارزش‌تر می‌شوند. با توجه به اینکه برخی تلاش‌های واشنگتن برای «چرخش به آسیا» چندان چنگی به دل نزده و همچنین با درنظر گرفتن حجم گسترده تعهدات نظامی ایالات‌متحده در اروپا و خاورمیانه، بسیاری از کشورهای آسیایی درحال حاضر تردیدهای قابل درکی درباره دوام تضمین‌های ایالات‌متحده در قبال این منطقه دارند.

با این حال، ایالات‌متحده می‌تواند رویکرد متفاوتی را انتخاب کند - و باید هم این کار را انجام دهد. راهبرد هوشمندانه‌تر و پایدارتر ایالات‌متحده بر موازنه با چین و نه پیشی گرفتن از آن تکیه می‌کند. در راهبرد موازنه نیز ایالات‌متحده همچنان باید بر ایجاد یک ائتلاف دوستانه در آسیا تمرکز کند، اما جنس این ائتلاف این بار متفاوت خواهد بود. در یک رویکرد موازنه‌ای، تعداد متحدان و شرکای ایالات‌متحده و مکان‌هایی که دسترسی به آنها ممکن است، کمتر اهمیت دارد؛ بلکه آنچه حائز اهمیت بیشتر می‌باشد، کیفیت و ارزش راهبردی اعضای ائتلاف و نقاط در دسترس است.

ایالات‌متحده باید بیش از هر چیز روی حفظ مراکز اصلی قدرت صنعتی منطقه - به‌ویژه هند، ژاپن و کره جنوبی- از افتادن در دستان پکن تمرکز کند؛ اقدامی که با کمک به آنها برای توسعه قابلیت‌های دفاع از خود و حمایت بهتر از تلاش‌های این کشورها برای کاهش وابستگی اقتصادی به پکن می‌تواند محقق شود. واشنگتن همچنین باید انرژی بیشتری را برای حفاظت از آبراه‌های کلیدی منطقه، به‌ویژه تنگه مالاکا و بخش‌هایی از دریای چین شرقی و جنوبی متعهد شود و در این مسیر از هند، ژاپن، فیلیپین و سنگاپور کمک بگیرد. آمریکا باید همچنان به تعهدات منطقه‌ای پیمانی خود پایبند بوده و به سرمایه‌گذاری در شرکای راهبردی مهم خود ادامه دهد، اما درعین حال آن دسته از کشورهایی که نقش چندانی در راهبرد موازنه قدرت ندارند، باید توجه کمتری دریافت کنند. ضرورتی ندارد واشنگتن از هر حرکتی که چین در جزایر اقیانوس آرام یا آسیای جنوب شرقی خشکی انجام می‌دهد، پیشی بگیرد.

موازنه ذهنی

در یک رویکرد موازنه‌ای، انتقال بیشتر بار دفاعی ایالات‌متحده به متحدان و شرکا در اولویت قرار داده می‌شود و مستلزم آن است که مسئولیت اصلی امنیت برعهده خود این کشورها بوده و ارتش ایالات‌متحده فقط جایگاه پشتیبانی داشته باشد. واشنگتن باید همه متحدان خود در منطقه، به‌ویژه ژاپن و فیلیپین را تشویق کند تا با سرمایه‌گذاری هنگفت روی قابلیت‌های نامتقارن و دفاع از خود، قدرتمندتر شوند. رهبران ایالات‌متحده همچنین باید با فوریت بیشتری تایوان را تحت فشار قرار دهند تا سریعا رویکرد مشابهی در زمینه دفاع از خود اتخاذ کند.

برای بسیاری از کشورهای آسیایی، با توجه به دهه‌ها سرمایه‌گذاری کم و همچنین کمبود پرسنل، مدرن‌سازی دفاعی آسان نخواهد بود، اما واشنگتن می‌تواند بسیار بیشتر از آنچه درحال حاضر انجام می‌دهد برای ترغیب آنها به تسلیح بیشتر خود انجام دهد. آمریکا می‌تواند شرایطی را به کمک‌های نظامی گسترده و معاملات تسلیحاتی خود، ضمیمه کند و متحدان و شرکایش را از خرید اقلام گرانقیمتی مانند جت‌های جنگنده بازداشته و درعوض آنها را به دستیابی به مقادیر زیادی از دارایی‌های نظامی نسبتا ارزان و متحرک مانند کشتی‌های بدون سرنشین، پهپاد، مین، موشک ضدکشتی و پدافند هوایی ترغیب نکند. واشنگتن همچنین می‌تواند از مشوق‌هایی مانند ترتیبات تولید مشترک و اشتراک فناوری برای تشویق متحدان خود برای سرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی خود استفاده کند. مهم‌ترین نکته این است که واشنگتن باید برای متحدان و شرکای خود روشن کند که مداخله ایالات‌متحده محدودیت‌هایی دارد.

تاکید بر مزایایی که سرمایه‌گذاری‌های دفاعی برای اقتصاد یک کشور و همچنین امنیت آن ارائه می‌کند، می‌تواند به ایالات‌متحده کمک کند از آسیب رساندن به روابط حیاتی خود با کشورهای دیگر جلوگیری کند. واشنگتن همچنین از موهبت موانع جغرافیایی منطقه به نفع خود استفاده کند و به این ترتیب نیروهای پیشروی کمتری را در پایگاه‌های خود در آسیا مستقر کند. ایالات‌متحده درعوض باید توانایی خود برای استقرار سریع نیروهای کمکی را با «پیش استقرار» تجهیزات و مهمات بیشتر، بهبود دفاع هوایی و موشکی در پایگاه‌های فعلی خود و مدرن‌سازی لجستیک و زیرساخت‌های لازم برای هماهنگ کردن نیروها تقویت کند. واشنگتن این فرصت را دارد که به جغرافیای منطقه اجازه دهد به عنوان اولین خط دفاعی خود عمل کند و به این ترتیب، هم به متحدان و شرکای خود کمک کند و درعین حال ظرفیت نظامی خود را برای سایر نگرانی‌های امنیتی منطقه آزاد کند.

موازنه همچنین فشار زیادی بر خود واشنگتن وارد می‌کند. واشنگتن باید بیاموزد چگونه به جای اتکای انحصاری به اتحادها و مشارکت‌های تحت رهبری ایالات‌متحده مانند آکس، در راستای همسویی‌های منطقه‌ای منعطف حرکت کند. واشنگتن باید برای ادغام کامل‌تر خود در شبکه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی که درحال حاضر وجود دارد، تلاش کند و فعالانه‌تر با آسه‌آن و بسیاری از زیرگروه‌های آن همکاری کند. ایالات‌متحده باید به دنبال فرصت‌های جدیدی برای حمایت از سایر سازمان‌های کوچک منطقه‌ای نیز باشد. این گروه‌ها علی‌رغم همه کاستی‌هایشان، به کانون‌های سیاست خارجی کشورهای جنوب شرقی آسیا تبدیل شده‌اند و واشنگتن باید قادر باشد در درون و کنار آنها برای دستیابی به منافع خود در منطقه فعالیت کند.

یکی از بزرگ‌ترین موانع اتخاذ رویکرد موازنه، طرز فکر واشنگتن است. این ایده که تفوق نظامی باید در آسیا دنبال شود، عمیقا در سیاست خارجی و دفاعی ایالات‌متحده ریشه دوانده است. شاید این مفروض در سالیان آینده نیز تقویت شود، زیرا رهبران هر دو حزب سیاسی آمریکا از عقب افتادن از چین ابا دارند، اما باید توجه داشت که موازنه نه مماشات است و نه شکست‌گرایی و شاید تنها راه پایدار از نظر مالی برای محافظت از منافع ایالات‌متحده در این منطقه برای دهه‌های آینده باشد.

نمایندگان کنگره به دنبال توقف ارسال تسلیحات به تل‌آویو

بیش از ۳۶ قانونگذار دموکرات کنگره آمریکا شامل «نانسی پلوسی»، رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا و از متحدان مشهور «جو بایدن»، نامه‌ای خطاب به او و وزیر خارجه‌اش، با موضوع درخواست برای متوقف کردن ارسال تسلیحات به رژیم صهیونیستی امضا کردند. به گزارش ایسنا، در این نامه تصریح شده است: «در پی حمله اخیر (اسرائیل) به امدادرسان‌ها (در غزه) و بحران انسانی که بدتر از هر زمان شده، ما بر این باوریم که تایید کردن نقل و انتقال این تسلیحات (به اسرائیل) غیرموجه است.» امضاکنندگان این نامه علاوه بر نانسی پلوسی شامل ۳۶ قانونگذار دموکرات دیگر از جمله «رشیده طلیب»، قانونگذار فلسطینی‌تبار، «الکساندریا اوکاسیو کورتز» و «باربارا لی» می‌شوند. با این حال، از زمان جنگ همه‌جانبه رژیم صهیونیستی علیه ملت فلسطین که بیش از ۳۳ هزار شهید بر جای گذاشته است، آمریکا بزرگ‌ترین تامین‌کننده مالی و تسلیحاتی این رژیم باقی مانده است.

رئیس دفتر زلنسکی: اوکراینی‌ها از جنگ خسته شده‌اند

رئیس دفتر ریاست جمهوری اوکراین گفت مردم این کشور شاید بگویند که از جنگ خسته شده‌اند اما در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا با روسیه مصالحه می‌کنند، می‌گویند «خیر». به گزارش ایسنا، با کم‌رنگ شدن کمک‌های غربی به اوکراین و بن‌بست کمک‌های مالی واشنگتن به کی‌یف، اوضاع میدان نبرد در اوکراین وخیم‌تر شده است و این کشور هر روز با کمبود بیشتری از نیرو و تجهیزات مواجه می‌شود. همچنین هنوز هیچ چشم‌اندازی برای برگزاری مذاکرات صلح میان روسیه و اوکراین وجود ندارد. «آندری یرماک» رئیس دفتر «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهور اوکراین در مصاحبه‌ای با نشریه پالتیکو عنوان کرد: «ما می‌دانیم که مردم سست و خسته شده‌اند و این را از فرمانداران منطقه‌ای و از خود مردم می‌شنویم. البته این طبیعی است که مردم خسته باشند. دو سال زمان زیادی است اما مردم همچنان به پیروزی ما ایمان دارند.»

ممنوعیت ورود اتباع تاجیکستان به ترکیه

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در فرمانی سفر بدون روادید به این کشور را برای شهروندان تاجیکستان ممنوع کرد. به گزارش ایرنا به نقل از خبرگزاری تاس، سند این دستور در روزنامه رسمی دولت ترکیه منتشر شده و از زمان انتشار آن لازم‌الاجراست. در فرمان رجب طیب اردوغان آمده است: «تصمیم گرفته شد که سفر بدون روادید به ترکیه برای شهروندان تاجیکستانی که دارای گذرنامه خارجی عادی هستند، ممنوع شود.» تارنمای آسیاپلاس تاجیکستان نوشت: «گفته می‌شود این اقدام براساس قانون اتباع خارجی و حمایت بین‌المللی صورت گرفته است.» پیش از این رسانه‌های ترکیه نوشته بودند که پیش از اقدام تروریستی در «تالار کروکوس» در نزدیکی مسکو، دو مظنون این اقدام -فریدون شمس‌الدین و سیداکرم رجبعلی‌زاده بومی تاجیکستان به ترکیه سفر کرده و سپس از آنجا به مسکو رفته بودند.

سی‌ان‌ان: اسرائیل طرحی برای خروج از جنگ ندارد

شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان در مطلبی، کشتار گسترده فلسطینیان در غزه را عامل اصلی انزوای روزافزون رژیم صهیونیستی در صحنه بین‌المللی دانست و نوشت: «با گذشت شش ماه از جنگ، صبر متحدان رو به پایان است، زیرا اسرائیل فاقد هرگونه راهبردی برای خروج از این درگیری است.» به گزارش ایرنا از این شبکه خبری آمریکایی، با گذشت شش ماه از جنگ غزه، صبر متحدان اسرائیل رو به پایان است. به‌ویژه اینکه با افزایش تلفات انسانی در این منطقه، بیش از پیش مشخص شده است که اسرائیل هیچ برنامه قابل قبولی برای پایان جنگ و آینده ندارد. این شبکه خبری آمریکایی اذعان کرد: «با تداوم حملات صهیونیست‌ها به غزه باوجود پیامدهای دهشتناک انسانی، اسرائیل به شیوه‌ای فزاینده در صحنه جهانی منزوی شده و ساختار سیاسی آن از همه طرف با فشار زیادی روبه‌رو است.»